



The Interaction Between Culture and Religion in Ashura Mourning of Bushehri Women: The Case Study of Reza Shah Era

Elham Malekzadeh*

Abstract

Special religious places for women date back to thousands of years ago. Considering the influence of religious beliefs and non-indigenous subcultures on Bushehri women, this paper aims to study the characteristics of Ashura mourning rituals of Bushehri women. A review of the function of women's religious places and the role of Bushehri women indicates the religious beliefs of the people of the region and the influence of these subcultures on them. The main research questions were, What are the features of women's Ashura mourning from the spatial perspective? What are the female roles in Bushehr's mourning ceremonies and how can its influence on the ritual actions of the region be identified and explained? The research method is descriptive-analytical, using field research and oral interviews. The results of the research indicate that the women of Bushehr directly performed *Ta'ziyeh*, *Roza*, and mourning, and their attitudes toward Muharram events were based on indigenous beliefs, Shiite beliefs, and local rituals. They are a unique example among the Shiites of Iran and the world where solidarity, cooperation, and participation among all the agents of mourning, even interaction with non-Shiite religious minorities, can be seen. The presence of women in the performance of religious mourning, regardless of gender-based looks, is another novel and important point that should be considered. Furthermore, despite the disputes between the neighborhoods of Bushehr over holding a more glorious ceremony, only among Ashura mourning rites of the women of this city there is no report of hostility and conflict.

Keywords: Mourning, Religious Places, Bushehr Women, Cultural and Religious ties, Reza Shah Era

* Assistant Professor of Social and Economic History, Research Institute of History, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

How to cite article:

Malekzadeh, E. (2023). The intersection of culture and religion in the Ashura mourning of Bushehr women Case Study: Reza Shah's Period. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 1(2), 221- 238. DOI: [10.22077/jcrl.2022.5093.1025](https://doi.org/10.22077/jcrl.2022.5093.1025)



Copyright: © 2022 by the authors. *Journal of Ritual Culture and Literature*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

تلاقی فرهنگ و مذهب در سوگواری عاشورایی زنان بوشهری (مطالعه موردی: دوره رضاشاه)

الهام ملک‌زاده*

چکیده

وجود اماکن مذهبی خاص زنان، دارای قدمتی چندهزار ساله است. مقاله حاضر با در نظر داشتن تأثیر اعتقادات مذهبی و خرده‌فرهنگ‌های غیربومی در عملکرد زنان بوشهری، درصدد بررسی شاخصه‌های آیین‌های سوگواری عاشورایی زنان بوشهری است. مروری بر کارکرد اماکن مذهبی زنانه و عملکرد زنان بوشهری حاکی از اعتقادات دینی مردم منطقه و تأثیرپذیری از این خرده‌فرهنگ‌هاست. پرسش‌های اصلی پژوهش این است که سوگواری عاشورایی زنان از منظر مکان چه ویژگی‌هایی دارد و نقش‌های زنانه مراسم عزاداری بوشهر چیست و تأثیر آن بر کنش‌های آئینی منطقه چگونه قابل شناسایی و تبیین است؟ روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی با تأکید بر استفاده از تحقیقات میدانی و مصاحبه‌های شفاهی است. نتیجه تحقیق حاکی از آن است که زنان بوشهری رأساً به اجرای تعزیه، روضه و مرثیه‌سرایی می‌پرداختند و رویکردی برگرفته از مضامین اعتقادی شیعی، آئین‌های محلی و باورهای بومی از وقایع محرم داشتند؛ نمونه‌ای منحصر به فرد در میان شیعیان ایران و جهان که می‌توان انسجام، تعاون و مشارکت عملی در میان تمام اجزای برگزارکننده عزاداری، حتی تعامل با اقلیت‌های مذهبی غیرشیعی را در آن مشاهده کرد. حضور زنان فارغ از نگاه‌های جنسیتی در اجرای تعزیه‌های مذهبی، نکته بدیع و مهم دیگری است که باید بدان اشاره کرد ضمن اینکه در همین ایام و برخلاف منازعات رقابتی موجود میان محلات بوشهر بر سر برگزاری باشکوه‌تر مراسم، تنها در میان آئین‌های سوگواری عاشورایی زنان این شهر است که هیچ‌گونه دشمنی و درگیری‌ای گزارش نشده است.

کلیدواژه‌ها: عزاداری، اماکن مذهبی، زنان بوشهری، پیوندهای فرهنگی و مذهبی، دوران رضاشاه.

* استادیار تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران
elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

مقدمه

وجود اماکن مذهبی خاص زنان دارای قدمتی چندهزار ساله است که با اسلام آوردن ایرانیان و رواج تفکر نامحرم بودن مردان تداوم یافت. بدیهی است در چنین بستری اماکن مذکور کارکردی فراتر از یک مکان منحصر به مناسک مذهبی و عبادی می‌یافتند. مروری بر کارکردهای اماکن مذهبی زنانه و عملکرد زنان بوشهری به‌عنوان مطالعه موردی، موجب پیوستگی میراث فرهنگی برآمده از اعتقادات مذهبی مردم این منطقه و همچنین تأثیرپذیری از خرده‌فرهنگ‌های غیربومی است که طی تعاملات قومی و شغلی در زمان‌های مختلف موجودیت یافته‌اند؛ علاوه بر آن پاسخگوی سؤالاتی خواهد بود که در فرایند تعاملات فرهنگی مذکور، امروزه به‌عنوان میراثی شاخص از عملکرد زنان ساحل‌نشین نه تنها در ایران، بلکه به تعبیری دقیق‌تر در تمام جهان اسلام، موقعیت ممتازی دارد. درحالی‌که بر اساس آموزه‌های دینی اسلامی، نقش زنان و حضور آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی، شرایط خاصی دارد. کنش زنان بوشهری در ایام محرم و عزاداری‌های آن، رنگ و شکل دیگری داشته و سوگ زنانه عاشورایی، ایشان را از پستوی خانه‌ها به عرصه اجتماع منتقل کرده است. ویژگی اصلی مقاله حاضر، تأکید بر تحقیقات میدانی و مصاحبه‌های شفاهی با کنشگران زن این مراسم و بازماندگان آن‌هاست تا از این طریق بتواند با ثبت آئین‌های مذکور، توشه‌ای برای آیندگان باشد.

درباره پیشینه پژوهش این نوشتار، بیش از آنکه مطلبی منتشر شده باشد، روایات متعدد تصویری در قالب برنامه‌های متعدد مستند از مراسم زنان سوگوار بوشهری در دست است؛ ضمن اینکه در سال‌های اخیر این موضوع مورد توجه محققان قرار گرفته است و از آن جمله می‌توان به کتاب زن در تعزیه و سوگواری‌های بوشهر اشاره کرد. در این کتاب به حضور زنان بوشهری در امور اجتماعی، فرهنگی و مذهبی چه به طور جداگانه و چه با شراکت مردان پرداخته شده و نقش آن‌ها در اجرای آیین‌های سوگواری و تعزیه تحلیل و بررسی شده است. مقاله «گونه‌شناسی مرثیه‌های استان بوشهر» با تمرکز بر انواع مرثیه منطقه، به مراسم و اشعاری که زنان در سوگواری‌های محرم می‌خوانند، اشاراتی می‌کند؛ ازاین‌رو هیچ‌گونه پژوهشی با محوریت سوگواری زنان بوشهری در دوره رضاشاه وجود ندارد و شاید نوشتار کنونی، نخستین پژوهش تاریخی در این حوزه باشد.

آئین‌های عزاداری و سوگواری‌های مذهبی برگزارشده در منطقه بوشهر به‌ویژه در ایام محرم، دارای ویژگی‌های ممتازی در میان سایر مراسم و آئین‌های عزاداری ایرانیان است که شرح مفصل و جداگانه‌ای را می‌طلبد. در این مقاله با تمرکز بر عزاداری و سوگ عاشورایی زنان بوشهر، به ذکر مختصات و ویژگی‌های این آئین‌ها در دوران رضاشاه پرداخته می‌شود. زنان بوشهری به‌موازات ایجاد اماکن ویژه زنانه برای برگزاری مراسم سوگواری محرم، در سازمان‌دهی فعالیت‌های خاص مذهبی مورد نیاز این مراسم نیز سهیم بودند و در همه بخش‌ها نقش‌آفرینی کردند. این فعالیت‌ها که از دیرباز در بوشهر سابقه داشت،

به دنبال تحولات پس از مشروطه و ارتقای سطح آگاهی اجتماعی متحول گردید و عرصه عمومی حضور بیشتری برای زنان بوشهری فراهم کرد؛ درحالی که تفکیک جنسیتی اماکن مذهبی در ظاهر به معنی محدودیت حضور زنان تلقی می‌شود، در میان زنان بوشهری به‌عنوان بستر مناسبی برای شکوفایی توانمندی‌های فرهنگی، ادبی، مذهبی و اجتماعی ایشان نمود یافت؛ از یک‌سو تعلیم و پرورش افراد متخصص در برپایی مراسم سوگواری محرم در حوزه‌های مختلفی چون مرثیه‌سرایی، تعزیه‌خوانی و روضه‌خوانی را موجب شد و از سوی دیگر امکان تبادل فرهنگی و اجتماعی به‌وجود آمده در عرصه عمومی جامعه را هنگام ایفای نقش در تعزیه‌ها فراهم ساخت. در اینجا لازم است ابتدا مفاهیم مرتبط با کنش‌های زنانه در مراسم سوگواری محرم توضیح داده شده، سپس اماکن مذهبی ویژه زنان، به تفکیک محلات چهارگانه بوشهر، معرفی گردد.

مرثیه‌سرایی

مجموعه‌های ادبی در قالب شعر که پس از افول حکومت عباسیان به ذکر فاجعه کربلا پرداخته و طی قرون ششم تا هشتم و دوران صفویه به نقطه اوج خود رسیده بود، در زمره مهم‌ترین اشکال ادبی ایران به شمار می‌رود که در همه اعصار از سوی شیعیان و در روضه‌ها و جلساتی که در رثای اهل بیت و امام حسین (ع) برپا می‌شد، مورد استفاده قرار گرفته است (افسری کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۱۱). در بوشهر نیز عده‌ای از زنان این شهر در رثای ائمه شیعه مرثیه را می‌سروده و می‌خواندند. پیش از مشروطه، که مدرسه و مکتبی نبود تا زنان در آنجا تعلیم یابند، در میان خاندان علما زنانی بودند که تحت تأثیر محیط خانوادگی، ذوق و استعداد نهفته خود را در قالب دیوان شعر نشان می‌دادند.

تعزیه

یکی دیگر از وجوه هنرهای مذهبی ایران، تعزیه است که در قالب عزاداری و مراسمی در یادبود شهادت امام حسین (ع) اجرا می‌شود. این عزاداری در سراسر جهان اسلام و در میان شیعیان به شیوه‌های مختلف برگزار می‌گردد. در ایران نیز به صورت نمایشی حزن‌انگیز برپا می‌شود که با شهادت امام حسین (ع) و همراهانش صحنه‌ای تراژیک را به تصویر می‌کشد (تقیان، ۱۳۷۴: ۱۱۰). در بوشهر، یکی از مهم‌ترین مراکز برگزاری تعزیه، زنان در کنار مردان به نقش‌آفرینی پرداختند و به ترویج فرهنگ عاشورایی اهتمام ورزیدند؛ درحالی‌که مرسوم بود هنگام اجرای تعزیه و نمایش در ایران، مردانی با صدای لطیف، نقش زنان را ایفا کنند و هرگز به زنان فرصت داده نمی‌شد تا هنر و استعداد خود را به نمایش گذارند؛ اما در همین دوران در بوشهر خود زنها نقش زنان را بازی می‌کردند. در هیچ سند و منبعی مربوط به تعزیه‌های بوشهر از مردانی که نقش زنها را بازی کرده‌اند، سخن به میان نیامده است، امری که نشان‌دهنده حضور مستقیم و فعال زنان بوشهری در

این عرصه است. زنان بوشهر در تعزیه‌ها در نقش زنان اهل بیت ظاهر می‌شدند و حتی در رثای قهرمانان، جوانان و نوجوانان عاشورا رجز می‌خواندند.

مراسم مختک «گهواره» یا تویت

مراسم مختک چند بخش داشت: تویت (Tovit) در آوردن، یعنی گهواره خالی علی اصغر را به تماشا گذاشتن. این رسم بین مردم این منطقه، پیشینه‌ای طولانی دارد؛ در حالی که یا در سایر نقاط ایران رواج ندارد یا حداقل با این شیوه‌ای که در بوشهر اجرا می‌شود، نظیر ندارد. زنان در روزهای تاسوعا و عاشورا با اجرای نوعی سرود مذهبی «شعر لالایی» یا «لایه‌لایه» با درون‌مایه مذهبی - عقیدتی و مرثیه‌گویی اجرا می‌کردند. همه زنان محل در خانه شخصی که مختک سبزه‌پوش در آن تعبیه شده بود، جمع می‌شدند و شروع به عزاداری و خواندن لالایی می‌کردند و دور آن سینه می‌زدند (احمدی ری شهری، ۱۳۸۰: ۴۱۸). زنانی که بچه‌دار نمی‌شدند به مختک متوسل می‌شدند و با برآورده شدن حاجاتشان، سال بعد هدایایی به آن تقدیم می‌کردند. این مراسم برای همه مقدس بود. می‌توان این مراسم را نوعی تئاتر به شیوه سنتی مذهبی دانست که در میان زنان با شکلی خاص و تأثیربرانگیز اجرا می‌شود. رسمی که همچنان با همان جزئیات پویا و زنده اجرا می‌شود. اشعار این لالایی‌ها عامیانه است و مضامینی دارد که در نهایت حزن، آرزوهای مادر را برای آینده کودک خود شامل می‌شود. یکی از لالایی‌هایی که در این مراسم خوانده می‌شود، نمونه زیر اشاره کرد:

ای سکنه بنشین و یک دمی، لالایش بکن	اصغر لالا، اصغر لالا
دست خود بر گردنش کن، سیل بالایش بکن	اصغر لالا، اصغر لالا
یک چراغی نذر الله، تا نمیرد اصغرم	اصغر لالا، اصغر لالا
میان خلخال نوطلا بود، پای اصغر بود رفت	اصغر لالا، اصغر لالا
فکر کافور و کفن کن، اصغر از دنیا برفت	روزگارم، اصغر لالا

(شریفیان، ۱۳۸۳: ۲۱۷)

ذاکری^۱

ذاکری خواندن سرودها و نوحه‌های ایام سوگواری محرم است که در اماکن مخصوص زنان و توسط زنان ذاکر با وجود همه محدودیت‌های حکومت رضاشاه اجرا می‌شد. این رسم همچنان در ایام محرم در بوشهر انجام می‌شود. ذاکری این‌گونه بود که گروهی از زنان روبه‌روی نوحه‌خوان می‌نشستند و به‌صورت گروهی که ۷ یا ۸ نفر بودند با مداح همخوانی می‌کردند و سپس جواب می‌دادند. ضمن اینکه به سبک عزاداری اعراب با یک‌دست روی پای و با دست دیگر بر سینه می‌زدند.

نکته جالب اینکه پیش از ماه محرم، مَلاها و روضه‌خوان‌ها برنامه‌هایی موسوم به «منبرسلامی» داشتند که در آن روضه و مباحثی شامل ذکر احادیث و داستان‌های تاریخی و

اخلاقی با محوریت واقعه عاشورا را که در جلسات مطرح می‌شد، تمرین می‌کردند. زنی هم که به بی‌بی منبری معروف بود وظیفه داشت ملاها و روضه‌خوان‌ها را که در حدود ۱۰ تا ۱۲ نفر بودند در مجالس ۴ محله مهم شهر بوشهر تقسیم کند و در پایان به آن‌ها یک تومان دستمزد بدهد (مصاحبه با عزیزه چراغچی، ۱۳۹۲).

نواختن سنج و دَمَام

سنج و دمام نوعی آلت موسیقی سنتی بوشهر به شکل استوانه است که دو طرف آن را پوست کشیده‌اند (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: شریفیان، ۱۳۸۳). به نظر می‌رسد نواختن این آلت موسیقی از زمان ورود بردگان آفریقایی در قرن ۱۸ م. به بوشهر، رواج یافته است (کوکرتز و مسعودیه، ۲۵۳۶: ۱۵). زنان بوشهری از این ساز در مراسم عزاداری محرم استفاده می‌کردند تا آنجاکه در دوره رضاشاه زنی به نام «مشهدی زهرا بلالزاده» مشهور به «میشتی زهرا» در مسجد خیزمی‌ها در محله بهبهانی، دمام اشکون را جسورانه و به طرز ماهرانه‌ای می‌نواخت (شریفیان، ۱۳۸۳: ۲۱۲).

با وجود تعصبات قومی، در منطقه بوشهر و جایگاه ویژه زنان در برگزاری مراسم سوگواری محرم، مانعی برای اجرای این آیین‌ها و برنامه‌ها وجود نداشت. از آنجاکه نواختن این سازهای موسیقی کاری مردانه شمرده می‌شد، این زنان به شجاعت مشهور بودند. از دید اجتماع، این زنان مظهر اراده‌ای مستقل بودند که می‌توانستند یک تنه قوم و قبیله‌ای را اداره و هدایت کنند.

تکیه‌ها، حسینیه‌ها و مساجد زنانه بوشهر

در تقسیم‌بندی شهری بوشهر، چهار محله بزرگ و مهم به نام‌های محله بهبهانی، شنبندی، دهدشتی و کوتی وجود دارد که مبنای تقسیم‌بندی تکیه‌ها، حسینیه‌ها و مساجد زنانه در این مقاله نیز به تبعیت از این تقسیم‌بندی انجام یافته است. در هریک از این محلات می‌توان انواع متعددی از این‌گونه اماکن خاص زنانه را یافت که اغلب با وجود گذشت سال‌های مدید از تأسیس‌شان همچنان به فعالیت در ایام سوگواری محرم ادامه می‌دهند و ممکن است فقط تغییر نام داده باشند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که باوجود روحیه صلح‌جو، مهربان و اهل رفق و مدارای مردمان بوشهر، در آن روزگار، بین برگزارکنندگان، عزاداران مساجد و تکایای محلات مختلف شهر، رقابت و تعصبات خاصی وجود داشت که همیشه موجب جدال و درگیری میان عزاداران می‌شد؛ درواقع برخلاف سایر ایام سال، در ماه‌های عزاداری‌های مذهبی، بر سر برگزاری هرچه باشکوه‌تر مراسم بین محلات چهارگانه بوشهر چنان درگیری و اختلافاتی برپا می‌شد که با شعله‌ور شدن آتش تعصبات محله‌ای، قومی، خانوادگی، کینه‌های شخصی و رعایت نکردن مقررات تعیین‌شده در مراسم، منازعه و مشاجراتی درمی‌گرفت که بعضاً به تلفات جانی نیز منجر می‌شد (کوکرتز و

مسعودیه، ۲۵۳۶: ۱۴؛ محدثی، ۱۳۷۶: ۴۳۳؛ باوجوداین، سوگواری‌های زنان در همین محلات و اماکن مذهبی به‌ترتیب زیر برگزار می‌شد:

سوگواری عاشورایی زنان محله بهبهانی

از محلات چهارگانه بوشهر که نامش از تجار و علمایی گرفته شده است که از بهبهان مهاجرت کرده‌اند و در این منطقه سکونت گزیده‌اند. در این محله کانون‌های مذهبی خاص زنان چون حسینیه علم بلادی، منزل سید کریم، منزل قاضی، منزل بی‌بی معصومه وجود داشته است (سدیدالسلطنه بندرعباسی، ۱۳۷۲: ۴۰).

حسینیه علم بلادی: این حسینیه منزل روحانی محترم شهر به نام سید مهدی علم‌الهدی، از مکان‌های مذهبی زنان بوشهر بود که در سال ۱۲۸۸ق، یعنی اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار ساخته شد و به‌عنوان حسینیه در ایام خاص مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفت. نکته مهم اینکه در این ایام علاوه بر مجالس مردانه، مجالس عزاداری خاص زنان نیز بر پا می‌شد. این مراسم پس از مدتی به‌دلیل مشکلات اقتصادی به مجالس مردانه محدود شد، اما به‌دلیل ارادتی که این روحانی به دختر پیامبر داشت، خانه خود را برای مجلس روضه‌خوانی زنان اختصاص داد. از آن زمان تاکنون این رسم میان زنان این خانواده برقرار است و در تمام سال‌های گذشته وظیفه روضه و نوحه‌خوانی ایام محرم را به عهده دارند؛ به‌عبارت‌دیگر می‌توان زنان خاندان بلادی را در تعمیق فرهنگ دینی زنان بوشهر مؤثر دانست. به این صورت که منزل آن‌ها در همه مراسم مذهبی، مرکز تجمع زنان خانواده و سایر زنان بوشهر بوده است. وارثان خانواده هزینه‌های مراسم ۱۳ روز اول ماه محرم را پرداخت می‌کنند و هزینه‌های پس از این ایام نیز از طریق نذورات مردمی تأمین می‌شود. در دوران رضاشاه نیز روضه‌خوانی سنتی زنان بوشهری با بیش از ۱۰ زن روضه‌خوان که «ملا» نامیده می‌شدند، ادامه یافت. بیشتر این زنها سواد مکتب‌خانه‌ای داشتند و فقط تعداد کمی از آنان در مدرسه‌های جدید درس خوانده بودند (مصاحبه با سیدمحمدحسین علاءالدین)، ۱۳۹۰).

زمانی که بر اساس دستور رضاشاه، امریه کشف حجاب اجرایی شد و از برگزاری برنامه‌های مذهبی ممانعت به عمل آمد، فعالیت‌های مذهبی زنان بوشهری نیز به مخاطره افتاد؛ باوجوداین به‌دلیل جایگاه والای رئیس خانواده بلادی و منزل وی، مأموران شهربانی به‌طور مستقیم از برپایی مراسم سوگواری زنان جلوگیری نکردند و فقط هنگام عبور زنان از معابر محله برای رسیدن به حسینیه بلادی، چادر را از سر آن‌ها می‌کشیدند و آن را پاره می‌کردند؛ اما پس از ورود به حسینیه از طرف بانای مجلس، به آن‌ها چادر داده می‌شد و با حجاب سنتی در مراسم حضور می‌افتند. محل برگزاری نیز به طبقه دوم حسینیه در اتاقی موسوم به صندوق‌خانه منتقل شد و به‌طور مخفیانه پشت رختخواب‌ها به روضه‌خوانی مشغول می‌شدند. مسئولیت‌های زنان مشارکت‌کننده نیز همگی افتخاری بود

و هر یک کاری را عهده‌دار می‌شدند. عده‌ای روضه‌خوان، تعدادی ذاکر، گروهی مستمع یا شنونده بودند و برخی نیز به پذیرایی از مهمان‌ها می‌پرداختند. وسایل پذیرایی نیز جای، قهوه، قلیان، حلوائی آرد و روغن، شکر پنیر و آجیل مشکل‌گشا بود. از دیگر اماکن مذهبی خاص زنان در محله بهبهانی، تکیه‌ای با بیش از ۱۰۰ سال قدمت و در واقع خانه زنی به نام بی‌بی معصومه بود که در ایام محرم در آن مراسم مذهبی برگزار می‌شد. همچنین تکیه سید کریم در روزهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ محرم محل برگزاری روضه و سینه‌زنی زنان بود و در ماه رمضان نیز در آنجا به قرائت قرآن می‌پرداختند. این تکیه تاکنون فعالیت‌های مذهبی خود را ادامه می‌دهد.

سوگواری عاشورایی زنان محله شنبیدی یا خشوی

یکی دیگر از محلات چهارگانه قدیمی بوشهر محل استقرار یکی از خاندان‌های بزرگ بحرین به نام خاندان آل‌عصفور بود که پس از مهاجرت به بوشهر در آنجا م‌أوی گزیدند (لوریمر، ج.ج، ۱۳۷۹: ۱۶۶ و سدیدالسلطنه بندرعباسی، ۱۳۷۲: ۴۱). یکی از زنان این خاندان زنی به نام امیره آل‌عصفور از زنان فرهیخته، شاعر و ادیب بوشهر بود (علما و نویسندگان بوشهر برپایه کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۱۳۷۷: ۱۹) که اشعار مرثیه و مداحی بسیاری درباره خاندان پیامبر اسلام سرود. وی در گسترش ادبیات دینی در این دوره نقش مهمی داشته است. محله شنبیدی دارای چندین حسینه از جمله حسینه حاجیه مریم بود که بیش از ۱۵۰ سال قدمت دارد. در ماه‌های محرم، صفر و رمضان، حاجیه مریم به برگزاری مراسم عزاداری زنانه مبادرت می‌ورزید و چون صاحب فرزند نبود، خانه خود را وقف حسینه کرد. وی سال‌ها این مراسم را برگزار کرد و پس از مرگش، دختر روحانی محل که دوست او بود، عهده‌دار این کار شد و بیش از ۵۰ سال و در تمام دوران حکومت رضاشاه این وظیفه را انجام داد. این حسینه که اکنون جزو آثار ملی ایران ثبت شده به‌عنوان حسینه‌ای زنانه در ایام محرم پذیرای زنان عزادار بوشهری است (مظفری‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۲).

سوگواری عاشورایی زنان محله دهدشتی یا محله کازرونی

محله دهدشتی یا محله کازرونی یکی دیگر از محلات بوشهر است که افراد مناطق مختلف، همچنین یهودیان را در خود جای داده بود (حسینی‌فسائی، ۱۳۶۷: ۱۳۲۰). در این محله چهار مسجد و حسینه زنانه به نام‌های حسینه پیرزن (حسینه حضرت زهرا(س) کنونی) و حسینه چلتم (حسینه حضرت رقیه کنونی) وجود دارد. حسینه پیرزن متعلق به پیرزنی صاحب باغ‌های متعدد نخل و زمین‌های کشاورزی و احشام بود. برخی منابع، او را مادر یکی از شیوخ معروف منطقه، یعنی زایر خضرخان اهرمی می‌دانند. آنچه از سابقه تأسیس این حسینه موجود است این است که وی مبلغی پول برای سفر به مکه جمع کرده بود که به‌جای رفتن به مکه آن را به روحانی محل داد تا

با آن مسجدی بنا کند. ضمناً از محل درآمد باغات و دارایی‌هایش مبلغی برای هزینه‌های مسجد می‌فرستاد تا خرج روضه و دعا شود. از آنجاکه در آن روزگار نامیدن مساجد و اماکن به نام زن‌ها امری رایج نبود، فقط به مسجد پیرزن معروف شد (مصاحبه با هیئت امنای مسجد پیرزن، ۱۳۹۲).

حسینیّه حاج چلتم از دیگر مکان‌های مخصوص زنان در محله دلدشتی، به دختری به این نام تعلق داشت. سابقه تأسیس این حسینیّه به ۲۰۰ سال قبل بازمی‌گردد. چلتم یا چلتم دختری بود که پس از درگذشت پدر و مادرش در نجف، به بوشهر نزد بستگان خود مشهور به خانواده صدر آمد و با آن‌ها زندگی کرد. این خانواده از بزرگان و امامان جماعت محله دلدشتی بودند. چلتم در جوانی این حسینیّه را بنیان نهاد که از همان ابتدا مخصوص زنان و برگزاری مراسم مذهبی برای آنان بود. پس از مرگ وی، این حسینیّه و موقوفاتش به خاندان صدر منتقل شد و همچنان در ایام محرم با تولیت زنان خانواده صدر مراسم عزاداری و روضه‌خوانی زنانه برگزار می‌شد. زنان محله نیز به‌طور داوطلبانه در مراسم شرکت می‌کردند و هرکدام کاری را به عهده می‌گرفتند. در دوران رضاشاه که انجام مراسم مذهبی و عزاداری تحت کنترل حکومت درآمد بود و ماجرای کشف حجاب محدودیت بیشتری برای مردم به وجود آورده بود، روضه‌خوانی‌های ایام محرم در این حسینیّه به‌طور مخفیانه انجام می‌شد. همسران زنان عزادار، آن‌ها را تا در حسینیّه همراهی می‌کردند و زنان پس از ورود به حسینیّه، به اجرای مراسم می‌پرداختند (مصاحبه با حاج حمید فیوض، ۱۳۹۲). این مراسم شامل برنامه‌هایی همچون: روضه‌خوانی و مرثیه‌سرایی، مَحْتَك (گهواره علی‌اصغر)، تعزیه قاسم، برنامه شب‌زنده‌داری شب عاشورا و صبحدم و شام غریبان بود (احمدی ریشهری، ۱۳۸۰: ۴۱۸).

سوگواری عاشورایی زنان محله کوتی

محله کوتی از محله‌های بوشهر و نام آن برگرفته از واژه هندی «کوتی» به معنی قلعه و حصار است. وجه تسمیه آن این است که محله کوتی در امتداد دریا و کنار ساختمان کنسولگری انگلیس در بوشهر قرار داشت؛ چون این ساختمان، نمایی همچون قلعه داشت، سربازان هندی آن را کوتی می‌نامیدند. کم‌کم نام این ساختمان به نام محل تسری یافت (حمیدی، ۱۳۸۴: ۸۰). در این محله نیز اماکن مذهبی ویژه زنان به نام‌های: حسینیّه سید جمعه‌ای، حسینیّه روانان، تکیه ننه اصغر چارلی وجود داشت.

حسینیّه سید جمعه‌ای در بخش یهودی‌نشین محله به فردی به همین نام تعلق داشت. وی صاحب فرزند نبود؛ در نتیجه خانه خود را وقف حسینیّه کرد. از همان ابتدا مجالس سوگواری زنانه برپا می‌شد که مادر و همسر سید جمعه‌ای این مراسم را اداره می‌کردند. برنامه‌های مذهبی این حسینیّه در دوران رضاشاه با محدودیت‌های فراوانی روبه‌رو بود و مخفیانه انجام می‌شد. با وجود اینکه ساختمان حسینیّه به‌مرور زمان به مخروبه تبدیل شده

بود، روضه‌خوان‌ها با گرفتن پول از متولیان حسینی، مراسم سوگواری و روضه‌خوانی را در آن محل برگزار می‌کردند. زنان ظاهر مخروبه حسینی را به خرابه‌های شام تشبیه می‌کردند و در این مخروبه تاریک با سوز بیشتری به روضه‌خوانی، عزاداری و اجرای تعزیه عروسی قاسم می‌پرداختند (مصاحبه با عده‌ای از اهالی محل و بانای فعلی حسینی، خانم موسوی، ۱۳۹۲). این‌گونه بود که هیچ‌گاه مراسم عزاداری این حسینی تعطیل نشد و مشکلات فیزیکی مکان و مسائل سیاسی و اجتماعی آن دوران در حضور و نقش‌آفرینی زنان محله خدشه‌ای وارد نکرد. نکته قابل ذکر این است که نه‌تنها زنان شیعه محل، بلکه زنان اهل تسنن و حتی زنان کلیمی که در جوار یکدیگر می‌زیستند از مشارکت‌کنندگان مستقیم در مراسم سوگواری ایام محرم به حساب می‌آمدند که از روح تسامح مذهبی حاکم بر مردم منطقه حکایت دارد.

حسینی‌روانان از مکان‌های مذهبی زنانه محله کوتی است که توسط زنی به نام بی‌بی ادریس بنا شد و پس از مرگش، وقف اجرای مراسم عزاداری امام سوم شیعیان شد تا در ایام محرم در آن عزاداری و روضه‌خوانی برپا شود. ضمن اینکه مقداری پول و طلا به روانان، روحانی مورد اعتماد محل، واگذار کرد تا صرف مخارج این مراسم شود. این مسجد با توجه به ممنوعیت نام‌گذاری زنان بر اماکن مذهبی، به‌مرور به نام مسجد روانان معروف شد. از آنجاکه حسینی سید جمعه‌ای به‌مرور تخریب شد و زنان به‌ناچار در ایام محرم، در کوچه پشت مسجد روی زمین می‌نشستند و به صدای عزاداری مردان گوش می‌دادند، مسجد روانان مکان مناسبی شد تا زنان علاوه بر انجام مراسم مذهبی محرم، آش نذری روز عاشورا را در آن مسجد طبخ و بین اهالی محل تقسیم کنند. این حسینی در تاریخ ۷ اسفند ۱۳۸۶ با شماره ثبت ۲۱۳۳۹ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید (وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۹۹: «حسینی روانان»).

تکیه ننه‌اصغر یکی دیگر از مکان‌های سوگواری زنانه محله کوتی است که توسط زنی به نام رباب چارلی معروف به ننه‌اصغر بنیان نهاده شد. این زن سال‌ها بچه‌دار نشد و پس از آنکه صاحب فرزند شد به شکرانه آن تصمیم گرفت در ایام محرم و صفر در منزل خود مراسم روضه‌خوانی برپا کند. تعزیه‌هایی که در حسینی ننه‌اصغر برپا می‌شد از قدیمی‌ترین مراسم تعزیه بوشهر بود. بعدها فرزندش در برگزاری تعزیه‌ها به مادر خود کمک زیادی کرد و حتی در نقش‌های مرتبط با تعزیه‌های روز عاشورا به ایفای نقش پرداخت. ضمن اینکه طراحی و دوخت لباس‌های تعزیه بوشهر نیز از کوشش‌های این مادر و فرزند بوده است (مصاحبه با همسر اصغر چارلی، ۱۳۹۲).

نتیجه‌گیری

برگزاری مراسم سوگواری محرم با حضور صددرصدی زنان بوشهر و اجرای تعزیه و روضه‌خوانی و مرثیه‌سرایی از جمله فعالیت‌های مذهبی و عقیدتی زنان این منطقه است

که از دیرباز تاکنون انجام می‌شود و به‌طور مستقل و با رویکردی برگرفته از مضامین اعتقادی شیعه، آداب و رسوم محلی و ویژگی‌های باورهای بومی از وقایع محرم، تصویری می‌آفریند که در نوع خود و در میان مراسم مذهبی ایرانیان منحصر به فرد است. تقسیم شهر به چهار منطقه اصلی، نظم منطقی برگزارکنندگان مجالس روضه و عزاداری، که توسط یک هماهنگ‌کننده به اجرای اثرگذار و عاطفی مراسم منجر می‌شد و مشارکت همه دست‌اندرکاران مراسم، اعم از بانیان، شنوندگان و عزاداران از نکات ارزشمندی است که به حضور و همکاری همه زنان، حتی اقلیت‌های مذهبی غیرشیعی می‌انجامید؛ امری که می‌توان از آن به مناسبات و روابط خواهرانه یاد کرد.

نکته بدیع و درخور توجه دیگری که شاید در سایر نقاط ایران قابل مشاهده نباشد، برگزاری مراسم تعزیه توسط زنان بوشهری است که علاوه بر اداره مجلس، به‌طور مستقیم به ایفای نقش‌های تعزیه می‌پرداختند. این مسئله امکان مشارکت زنان در تبادل فرهنگی و اجتماعی را فراهم می‌ساخت. آن‌ها در نقش زنان اهل بیت ظاهر می‌شدند؛ هرچند نقش‌شان در تعزیه کوتاه و فرعی بود، اما بر تماشاگران تأثیر بیشتری می‌گذاشت. تعصب فوق‌العاده که نسبت به خواهر امام سوم شیعیان، حضرت زینب(س) و سایر زنان و دختران اهل بیت وجود داشت موجب می‌شد مردان نتوانند در شبیه زنان اهل بیت حضور یابند؛ نتیجه این امر حضور فعال و اجتماعی زنان بوشهر در سطحی وسیع در این مراسم بود. بدین ترتیب می‌توان با وجود شرایط خاص سیاسی و اجتماعی آن دوران و عرف و سنت‌های حاکم بر جامعه ایران ادعا کرد که تفکیک جنسیتی اماکن مذهبی در بوشهر مانع حضور و فعالیت زنان بوشهری نبود و به انزوا و واکنش‌های منفعلانه ایشان منجر نشد؛ برعکس، این وضعیت به ارتقای سطح توانمندی‌های زنان بوشهری در عرصه‌های مختلف کنش‌های اجتماعی اعم از حضور در جامعه انجامید تا آنجا که به‌طور رسمی به ایفای نقش‌های تئاتری در قالب تعزیه می‌پرداختند؛ ضمن اینکه در تسامح مذهبی حاکم بر منطقه بوشهر، تعامل و تعاون اقشار مختلف زنان، با هر دین و مذهبی که داشتند، در برپایی مراسم سوگواری محرم مشاهده می‌شود. علاوه بر آن، روح تسامح حاکم بر جامعه در هنگام برگزاری مراسم عزاداری محرم از بروز تعصبات مذهبی و قومی به‌عنوان مانعی برای فعالیت‌های زنان در عرصه عمومی جامعه جلوگیری می‌کرد. کلام آخر اینکه با وجود مسالمت‌آمیز بودن زیست مردمان بوشهر، در ایام عزاداری‌های محرم و صفر به‌واسطه رقابت شدیدی که میان مردان محلات مختلف این شهر به وجود می‌آمد، درگیری‌ها و دشمنی‌های زیادی در منابع گزارش شده است؛ این در حالی است که در همین محلات، در میان زنان و در سوگواری‌های مخصوص ایشان، نشانی از این دشمنی و رقابت دیده نمی‌شد و آئین‌های عزاداری ایام محرم به صورتی منظم و منطقی برپا می‌شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ذکر با معنای یادآوری مصیبت‌های ائمه اطهار و اهل‌بیت به اشعاری بانوای خاص اطلاق می‌شود که در ایام روضه‌خوانی برای گردآمدن مردم سر می‌دادند. به فردی هم که این اذکار را می‌خواند، ذاکر و به فعل انجام‌شده ذاکری می‌گفتند.

کتابنامه

احمدی ری‌شهری، عبدالحسین. (۱۳۸۰). سنگستان (بوشهر قدیم و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی آن). ج ۲. شیراز: نوید.

افسری کرمانی، عبدالرضا. (۱۳۷۱). نگرشی بر مرثیه‌سرایی در ایران. تهران: اطلاعات.

تقیان، لاله. (۱۳۷۴). درباره‌ی تعزیه و تئاتر در ایران. تهران: نشر مرکز.

حسینی فسائی، حسن. (۱۳۶۷). فارسنامه‌ی ناصری. تصحیح و تحشیه: منصور رستگارفسائی. ج ۲. تهران: امیرکبیر.

حمیدی، سیدجعفر. (۱۳۸۴). استان زیبای بوشهر. بوشهر: طلوع.

سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمدعلی‌خان. (۱۳۷۲). سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش. تحشیه و تعلیقات احمد اقتداری. تهران: دنیای معاصر.

سلطانی‌نیا، اشرف و خواجه‌ئیان، میترا. (۱۳۹۷). زن در تعزیه و سوگواره‌های بوشهر. قم: صحیفه‌ خرد.

شریفیان، محسن. (۱۳۸۳). اهل ماتم آواها و آیین سوگواری در بوشهر. تهران: دیرین.

لوریمر، ج.ج. (۱۳۷۹). راهنمای خلیج فارس. ترجمه‌ی سید محمدحسن نبوی. شیراز: نوید.

نبوی، سید محمدحسن. (۱۳۷۷). علما و نویسندگان بوشهر بر پایه کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه. شیخ آقا بزرگ تهرانی به کوشش عبدالکریم مشایخی. تهران: انتشارات پروین با همکاری مرکز بوشهرشناسی.

کوکرتز، یوزف و مسعودیه، محمدتقی. (۲۵۳۶). موسیقی بوشهر. چاپ اول. تهران: سروش.

محدثی، جواد. (۱۳۷۶). فرهنگ عاشورا. قم: معروف.

مشایخی، عبدالکریم. (۱۳۸۲). عیسویان در بوشهر. بوشهر: بنیاد ایران‌شناسی شعبه‌ی بوشهر.

مظفری‌زاده، علیرضا. (۱۳۹۲) «حسینیة حاجیه مریم». بوشهرنامه. ویژه‌ی زنان. سازمان فرهنگی

ورزشی شهرداری بوشهر. ش ۹. صص ۳-۲.

منصوری، حیدر؛ حسینی کازرونی، سید احمد؛ حمیدی، سید جعفر. (۱۳۹۷). «گونه شناسی مرثیه‌های استان بوشهر». دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه. س ۶. ش ۲۳. صص ۲۰۱-۲۱۸.

وزارت راه و شهرسازی. (۱۳۹۹). دانشنامه برخط تاریخ معماری و شهرسازی ایران شهر. در <iranarchpedia.ir/entry/36588>

مصاحبه‌ها

مصاحبه با حاجیه عصمت خردمند بانی حسینیه حاج مریم. محله شنبیدی. بوشهر. رمضان / مرداد ۱۳۹۲.

مصاحبه با عزیزه چراغچی متولی مسجد غریب. محله بهبهانی. بوشهر. شهریور ۱۳۹۲.
مصاحبه با سیدمحمدحسین (علاءالدین) بلادی. نوه آیت‌الله سید عبدالله بلادی بوشهری. بوشهر. شهریور ۱۳۹۰.

مصاحبه با هیئت‌امناى مسجد پیرزن آقایان خرمگاهی و سجده‌ای.
مصاحبه با خانم زری طیاری بانی حسینیه حاج چلتم و خانم عبیدی از ذاکرین حسینیه سید جمعه‌ای. بوشهر. مرداد ۱۳۹۲.

مصاحبه با حاج حمید فیوض. از خیرین محله دهدشتی. بوشهر. تیر ۱۳۹۲.
مصاحبه با عده‌ای از اهالی محل و بانی فعلی حسینیه خانم موسوی و خانم‌ها عبیدی و یاحسینی روضه‌خوان و ذاکر مجالس مذهبی زنانه در چهار محل قدیمی بوشهر. مرداد ۱۳۹۲.

مصاحبه با همسر اصغر چارلی. بوشهر. تیر ۱۳۹۲.



مسجد غریب، محله بهبهانی، بوشهر



خانه سید کریم محله بهبهانی



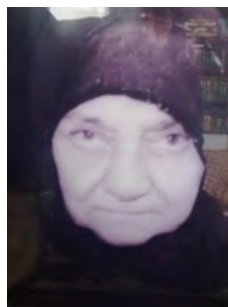
حسینیة علم بلادی، محله بهبهانی، بوشهر



حسینیة حاج مریم، کوی شنبدی، تأسیس ۱۲۸۱ق.



عزیزه فرحبخش، بانی حسینیه حاجیه مریم شنبدی



بی بی فاطمه بیگم زارع زاده، بانی حسینیه حاجیه مریم



جمعی از ذاکرین و بانای حسینیه حاج مریم



حسینیه حاج چلتم، محله دهدهشتی



مسجد پیرزن، کوی دهدهشتی، بوشهر



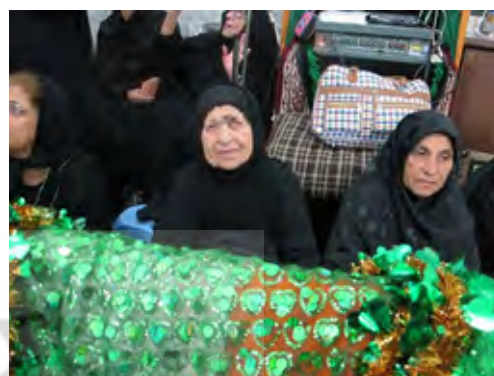
متولی حسینیه حاج چلتم



بی‌بی صفیه بیگم مصطفوی همسر میرزا محمد صدر



آبدارخانه حسینیه حاج چلتم



مراسم مختک علی اصغر، حسینیه حاج چلتم



حسینیه سید جمعه ای، محله کوتی، تأسیس ۱۳۸۹ق.



قدمگاه حضرت فاطمه (س)، محله کوتی

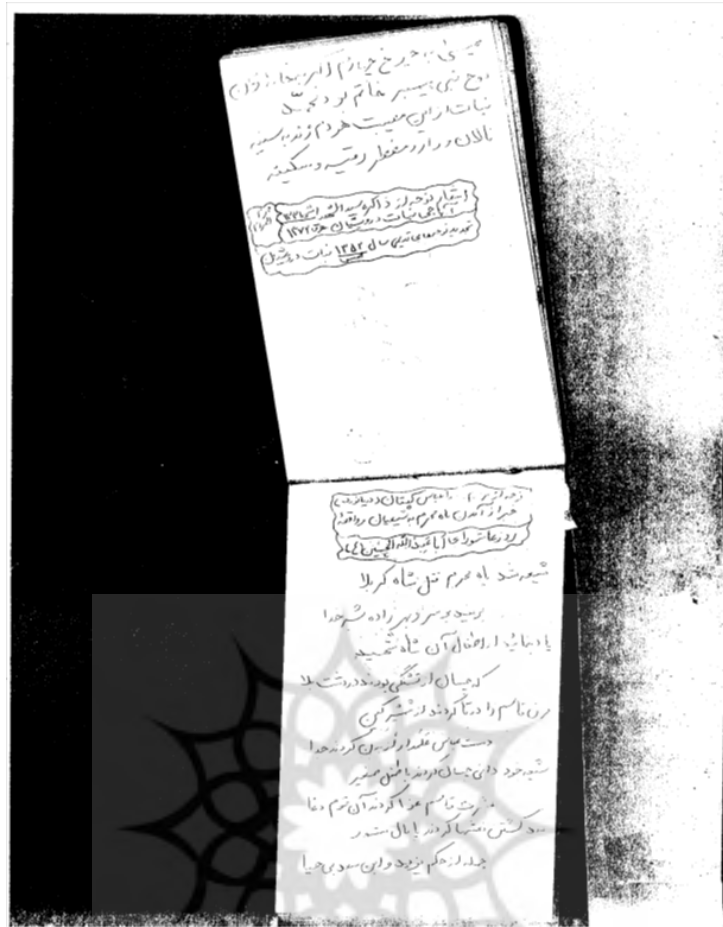


حسینیة روانان (ابوالفضل) محله کوتی، تأسیس ۱۳۳۷

حسینیة سیدالشهدا (منزل رباب چارلی)، محله کوتی



مجلس روضه خوانی آباچی نبات درویشیان، سال ۱۳۵۴.



بخشی از نوحه‌های بازخوانی شده ناخدا عباس توسط حاجیه نبات درویشیان، ۱۳۵۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی